

FORTNITE

سونیک

جوجہ تیغی



استنلی - آرکیو - کیم - مک گرث - م. قلی زاده

©EPIC ©SEGA





لایق آرت: آرکیو
رنگ آمیزی: مین هو کیم
کاوری: تایلر مک گرث
متن و حروف نگاری: اوان استنلی
ترجمه و ادیت: معین محمد قلی زاده

دکتر اگمن
ابر نابغه شرور و
تخم مرغ دوست

این دیگه چیه؟!
تا حالا اینجور اعداد و ارقامی
ندیدم. اونم توی کل پایگاه...

آه!
این دیگه--

بیپ بیپ بیپ بیپ

فکر کردی
یه ناهنجاری فسقلی
ناچیز می تونه شکستم بده؟!
دوباره فکر کن!

و اگه بقیه
چیزها شکست
بخورن...

قدم

تپ



من بازم...
ربات هام رو دارم!
متال سونیک!
حمله کن!



???
به نظر
در دسر میاد

متال سونیک
نیروی مکانیکی اگمن

کلنگ



بجنب، از اون
توربینت کار
بکش!

جالبه. انتظار
نداشتم همچین فناوری
خوش ساختی رو تو
این واقعیت ببینم.



از چشم تیزت در کیفیت
سپاسگزارم، ولی هرکی به آزمایشگاه
شخصی دکتر اگمن بی اجازه وارد
بشه، نمی‌تونه قسر دربره!

تو کی هستی، و
از زمرد آشوبم
چی می‌خوای؟



مجبور
نیستم خودم
رو واست توجیه
کنم.

پس جواب
این سوالم رو بده،
غریبه؛ اصلاً می‌دونی
چطوری از اون زمرد
استفاده کنی؟

...اینطور
فکر
نمی‌کنم.

دست نکه دار،
متال سونیک.

هممم.
کنترلت... تحسین
برانگیزه.



الکی منو نابغه صدا نمی‌زنن.
اگه اجازه بدی، یه فرضیه‌ای
رو شرح بدم...

براساس گزارشات انرژی‌ای که
دریافت کردم، حدس می‌زنم تو
از یه واقعیت دیگه هستی. و اگه
واسه یه زمرد آشوب اومدی، این
یعنی فکر می‌کنی بتونی قدرتت رو
مهار کنی.

دلیل داره که اسمشون
زمرد آشوب هست؛ اونا شدیداً
ناپایدارن. شانس بهت رو کرد،
چون در زمینه اون متخصصم.



استدلالت
قابل تحسینه...

چیزی داری
پیشنهاد
می‌کنی؟



بستگی داره. در
ازای کمک کردن بهت که
خودتو منفجر نکنی، چی
قراره به من برسه؟



من یه منبع قدرت
واسه خودم دارم، ولی تویی...
وضعیت خطرناکی هست. بی‌ثباته.
من به یک جایگزین نیاز دارم، و در
جستجوهایم زمردهای آشوب شما رو
کشف کردم.

با قدرت اونا، من می‌تونم
شرکت‌هام رو راه بندازم تا وقتی که
بتونم زیرو پوینت رو پایدار کنم.
همکاری در مهار کردن قدرت این
زمرد قطعاً در کارم سودمند
خواهد بود...

ولی انتظار ندارم که
شخصی در جایگاه شما رایگان
کار کنه. اگر نقشه‌هام ثمربخش باشن،
واقعیت از آن من میشه که دوباره بهش
شکل بدم. می‌تونم بهتون اطمینان
بدم یک جای مطلوب در دنیای
بی‌نقص جدیدم دارید.



اوه هو هو...
یک واقعیت جدید، آماده
برای فتح کردن؟ خوشم اومد!
نظرت چیه معامله رو
ببندیم، آقای...؟

جینو.

من فقط با حرف‌های
تو خالی معامله نمی‌کنم.
نیاز به مدرک دارم.





یه اثبات؟
اوهو...

بعدتر، در یک
واقعیت دیگر...

چا-چای

سوم سوم سوم...

بفرما!
با این، می‌تونیم
کل شبکه رو برق رسانی
کنیم. تحت تأثیر قرار
گرفتی؟

رضایت بخش
هست.

خوبه، خوبه...
امیدوارم مشکلی
نداشته باشی که چنتا از
بدنیک‌هام رو با خودم
آوردم برای کمک.

بدون اونا،
اینجا حس خونه بودن
رو نمیده واقعاً!



البته...

به نظرم
به توافق
رسیدیم.

اوه هو هو هو!
به امپراطوری اگمن
خوش اومدی،
جینو!

کمی بعدتر،
در خانه...

تو به این
میگی ضربه، سونیک؟
از سر راه برو کنار...

شترار

خودم...
نشونت میدم
چطور انجامش
میدن!

سونیک جوجه تیغی
سریعترین موجود زنده

شدو جوجه تیغی
فرم نهایی زندگی

ناکلز اکیدنا
نگهبان کوبنده زمرد بزرگ

هی، تیلز!
پیام
اضطراریت
رو گرفتیم!

...تیلز؟

این بهتره
یکی دیگه از شوخی هات
نباشه، جوجه تیغی.

نه! اینجا صد درصد
همونجایی هست که تیلز
تو پیامش گفته بود. اون گفت
یه چیز بد پیدا کرد. یه چیز بد
از نوع آخر دنیا-یی.

فکر می کنید
شاید اون یه ربطی
بهش داشته باشه؟



نتونستم جلوی
خودمو بگیرم و به نگاه
انداختم... مگه یک کشف
علمی بدون به کوچولو
ریسک میشه؟

متأسفانه،
من اولین کس نبودم. اگمن
اینجاست، و با یکی که اهل اینجاست
داره کار می‌کنه تا به چیزی بسازن...
دقیقاً نمی‌دونم چی، ولی با شناختی که
از اگمن داریم، نمی‌تونه چیز
خوبی باشه.

تازه بدتر، با تحقیقی که
کردم، فکر کنم دارن از قدرت
یه زمرد آشوب استفاده می‌کنن
تا دستگاه‌های جدیدشون رو
راه بندازن!

باید جلوش رو بگیریم
قبل از اینکه وضعیت اینجا
بدتر بشه... وگرنه اونا عملیاتشون
رو به واقعیت‌های دیگه هم
می‌برن، مثل مال ما.

خب؟ اگمن
رو پیدا می‌کنیم،
حسابشو می‌رسیم، و
مجبورش می‌کنیم راه
رو باز کنه.

چی--
چرا نرم؟

وایستا!
نرو
توش!

گرفتم،
رفیق. سه سوت
خودمو رسوندم
اونجا.

پورتال یه راه
یک-طرفه هست برای
موجودات زنده! اگمن و همکارش
دستکاریش کردن. من خودم
تازه فهمیدم وقتی خودم
خواستم برگردم...

ترمز زرزرز

اشکال نداره،
حق یا شماست.
واقعاً هم بیش
از حد خطرناکه.

درکت می‌کنم،
تیلز، واقعاً می‌گم، ولی اگه
اون پورتال نذاره برگردیم...
نمی‌تونم این ریسک رو بکنم که
از زمرد بزرگ جدا بشم.

خب، رو من حساب نکنید.
من قول دادم که از زمین
محافظت کنم؛ این زمین. من
همچین تعهدی نسبت به اون
دنیا دیگه ندارم.

خب پس،
ازمون انتظار داری
چه کار کنیم؟

این رو
ببینید!

جای
خوبش
اینجاست...

فاششووم

بیپ بیپ

بیپ



--نه، اوکیه!
اونا کاملاً
بی آزارن.

صبر کن،
تیلز! به نظر میاد
به یه مشکل رباتی
کوچولو اینجا
برخورديم--

...مطمئنی؟

من اینارو از یکی از
کاروان های تدارکات اگمن کش رفتم!
اونا خیلی پیش و پا افتاده بودن
وقتی گرفتمشون. تعمیرشون کردم و
بازنویسی کردمشون تا بهم
کمک کنن و بجنگن.



اونا

از راه دور کنترل میشن، که برای
کارهای ساده مشکلی نداره، ولی اگه
بخوام جلوی نقشه های اگمن رو بگیرم،
باید کلی کار دیگه بتونن بکنن.
اونجاست که شماها وارد
میشید.

تازه خودمم
یکم دلتنگ خونه
شده بودم...



من به بیو-دیتای
هر سه ی شما نیاز دارم تا
برنامه نویسی شون رو کامل کنم و
کاملاً خودمختار بکنمشون. تنها کاری
که باید بکنید اینه که به همتای
خودتون دست بدید.

هاها، نه!
جواب میدم،
قول میدم!

پس اونا
قرار نیست که-- بر فرض
مثال-- شروع کنن بگن
اونا "سونیک واقعی" هستن
و بهمون حمله کنن؟



کنز ززت

باشه. رفیق.
بهت اعتماد
می کنیم...





باشه، ولی
چرا انقدر دراز و
بدقواره‌ان؟ به قیافه‌شون
می‌خوره یه باد قوی از پا
درمیارشون!

نگران نباشید؛ اونا
از پیش برنامه ریزی شده‌ان
با دانش درباره ذاتشون و مأموریت ما
برای پیدا کردن زمرد آشوب و این که
جلوی دکتر اگمن رو بگیرن.
اونا اینجا تا
کمکمون کنن.

من مجبور شدم
این ظاهر رو بهشون بدم تا بتونن
از وسایلی که توی این واقعیت هست
استفاده کنن! اینجا کلی چیز باحال
هست که میشه پیدا کرد...



هی! محض اطلاعات
می‌شنوم چی میگی. بهت
نشون میدم چقدر
"بدقواره" هستم!

باشه، باشه،
بی--

ایست!





ولی وقت
موندن و سبزی خرد کردن
نداریم-- کلی کار داریم
برای انجام دادن!

موفق
باشید!

زودی
برگرد خونه،
تیلزا!

این داستان ادامه دارد...
در زمین نبرد!